

با نام خدای مهربان

فایل حاضر خلاصه‌ای است از کتاب مدیریت ما (مدیریت اسلامی در پرتو نهج‌البلاغه)،

دکتر علی اصغر پورعزت، انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه

به همراه تست‌های کنکور و تالیفی و جداول جمع‌بندی

ویژه داوطلبان کارشناسی ارشد و دکتری مدیریت

توجه ۱: ممکن است برخی مطالب با نظر شخصی یا تفسیر گردآورنده این فایل لزوماً مطابقت نداشته باشد، لکن در ارائه مطالب رعایت امانت به طور کامل صورت گرفته است.

توجه ۲: لطفاً به زمان و زحمتی که برای تهیه این فایل گذاشته شده، احترام قائل شوید و کپی‌برداری نکنید. استفاده از این فایل صرفاً در صورت دانلود از وبسایت انتشارات تبلوردانش به آدرس www.DLMgroup.ir حلال است.

امیدواریم از مطالعه این فایل لذت ببرید و ان‌شاءالله بتوانید به همه سوالات کنکور در درس مبانی مدیریت اسلامی طراحی شده از این کتاب، پاسخ صحیح بدهید. بدیهی است فایل حاضر با رویکرد کنکوری طراحی شده و در عین جامعیت، نمی‌تواند جایگزین مطالعه کتاب باشد. جهت تهیه کتاب می‌توانید با شماره تلفن‌های ۸۸۹۰۵۶۷۰ و ۸۸۹۰۹۸۶۲ (۰۲۱)، بنیاد نهج‌البلاغه تماس حاصل فرمایید.

بی‌صبرانه در انتظار نظرات و نقدهای ارزشمند شما گرامیان هستیم.

www.DLMgroup.ir

منوی تماس با ما

از مقدمه:

- تنها راه دستیابی به نظام مدیریتی ارزش‌مدار و مطابق با قوانین عالیه دین مبین اسلام است.
- بهره‌گیری از مجموعه راهبردهای مبنایی در حوزه‌های مختلف علوم

- به مفهوم ساده دال بر حالتی است که چیزی خارج از دین، مبنا و معیار توسعه مفاهیم دینی تلقی شود.

• التقاط

(می‌توان گونه‌هایی از التقاط را دال بر آمیختن حق و باطل دانست؛ یعنی هنگامی که افراد بخشی از حق را می‌گیرند و آن را با باطل می‌آمیزند، راه التقاط پوییده‌اند. در واقع التقاط یعنی گرفتن مفاهیم گوناگون از جاهای مختلف و پیوند زدن و ترکیب کردن آنها با هم؛ در حالیکه ممکن است این آمیختگی صحیح نباشد.)

- چهار نوع التقاط وجود دارند شامل:

التقاط ایدئولوژیک

التقاط علمی، ادبی و تفسیری

التقاط تجربی (یا التقاط در عمل یا تعمیم تجربه خویشتن)

التقاط دنیازدگی

(از همه خطرناک‌تر شاید التقاط تجربی باشد.

گاهی ممکن است مدیر مسلمان از ایدئولوژی‌های زمینی بهره‌برد و حتی ریشه‌های التقاط علمی را نیز تشخیص دهد اما مسحور یافته‌های تجربی خویشتن شود. گویا سحرانگیزی تجربه خویش و استناد به آن و حتی در گام بعدی همراه کردن آن با گزاره‌های دینی و یکسان نشان دادن «تجربه مدیر مسلمان» با «خواست و انشاء پروردگار» از شاهکارهای ابلیس در وادی نفاق فکری است.)

(نوع چهارمی از التقاط ممکن است در گزینه‌ها داده شود که از آن تحت عنوان «**التقاط دنیازدگی**» نام برده می‌شود که ممکن است در اثر تامل بر مقتضیات زمان و مکان به منظور اتخاذ راهکارهای درست برای موفقیت در تصمیمات دنیایی ایجاد شود. یعنی دین را با منطق دنیا تفسیر کردن! دین را ابزار کسب دنیا کردن!

بنابراین التقاط دنیاگرایی ناشی از غرق شدن در امور دنیا و بی‌توجهی به امور آخرت است. بدین ترتیب به جای اینکه دنیا مزرعه آخرت باشد، ذکر آخرت به ریا و تظاهر دستمایه نیل به مقاصد دنیایی می‌شود.)

- دروغ بستن به رسول خدا (ص) و روایت‌های جعلی ریشه‌های اولیه شکل‌گیری مکاتب التقاطی منسوب به اسلام بودند که حتی در زمان حیات ایشان نیز رایج بود.
- التقاط در عمل و اقدام، معمولاً ریشه در تمایل به «مال‌اندوزی یا کسب جاه و منزلت، به نام دین» دارد. در عین حال باید توجه داشت که التقاط در عمل و اقدام یا التقاط تجربی، همواره آگاهانه ایجاد نشده و در بسیاری از موارد، حاصل باور ساده انگارانه مدیران مسلمان به اعتبار تجربه شخصی خویش بوده است.

فصل اول

منزلت دانش مدیریت در اسلام

• و پیامبر اکرم و اهل بیت او «علیهم السلام»، منابع اصلی و مهم دین‌اند.

• قرآن

سنت

(فهم مدیریت از دیدگاه اسلام، فهم سنت‌های الهی است که فقط از طریق مراجعه به قرآن، به منزله مبنا و رصد سنت پیامبر، به مثابه جلوه احکام، و پی‌گیری سیره اهل بیت به منزله معرفت و مفسر قرآن و سنت پیامبر، میسر می‌گردد و این همه در پرتو اعتماد به عقل حاصل می‌شود). در همه حال استاد، قرآن است و توضیح‌دهنده آن مکتب اهل بیت(ع). ملاک تشخیص درستی یا نادرستی روایات نقل شده از پیامبر اکرم و معصومین (ع)، عرضه آن به قرآن است که باید با آموخته‌های قرآن کریم سازگار باشد).

(مهم) بنابراین، پژوهشگر مدیریت اسلامی باید نسبت به بروز چهارگونه التقاط هوشیار باشد:

الف) التقاط ایدئولوژیک، ناشی از تمایل به آمیختن گزاره‌های وحیانی با گزاره‌های ایدئولوژیک: التقاطی که سبب رسوخ اندیشه‌های حزبی و سیاسی در ساخت باورهای مذهبی می‌شود و انحراف‌های گسترده‌تر بعدی را سبب می‌گردد.

ب) التقاط در عمل و تجربه، ناشی از تمایل به آمیختن گزاره‌های وحیانی با گزاره‌های حاصل از تجربه و اقدام شخصی؛ با این تأمل که حتی بهترین تجربه‌های بشری، مبرا از نقص و کاستی نبوده، قابل نقد و ارزیابی انتقادی‌اند. بنابراین اعتماد به آن‌ها ممکن است بسیار گمراه‌کننده باشد.

ج) التقاط علمی و ادبی، ناشی از تمایل به آمیختن گزاره‌های وحیانی با گزاره‌های علمی نامطمئن و حتی مطمئن؛ در باب التقاط علمی قابل تأمل است که حتی گزاره‌های اعتمادبرانگیز علمی را نیز نمی‌توان و نباید مبنای تحلیل‌های مبتنی بر گزاره‌های وحیانی قرار داد؛ حتی اگر این علم، علم تفسیر قرآن کریم باشد. زیرا همه اطمینان حاصل از آزمون فرضیه‌ها یا نظریه‌های علمی، از جنس اطمینان‌های نوع بشر بوده، خطاپذیرند!

با این حال می‌توان آنها را به صورت احتمالی و بدون تاکید و اصرار بر فهم عمیق یا تبیین صریح، مدنظر خود و سایر پژوهشگران قرار داد؛ با این رویکرد که این فهم، ممکن است کاملاً نادرست (یا ناقص) باشد و برداشت خودساخته‌ای از متن مقدس قرآن یا حریم مقدس علم تلقی گردد.

(د) التقاط ناشی از دنیازدگی، ناشی از توجه افراطی به دنیا و حل مسائل آن و غرق شدن در دنیا و واژگان توصیف‌گر دنیا؛ به نحوی که تقلیل گرایانه، موجب غفلت از آخرت شود و به فراموشی ساحت معنوی حیات انسانی بینجامد.

در گریز از این چهارگانه التقاط، بر ضرورت شاگردی در محضر قرآن کریم و اهل بیت شریف پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» تاکید می‌شود؛ در این رویکرد، مهم‌ترین راه فهم دین و منطق قرآن و حتی روایات معصومان «علیهم السلام»، تدبّر درباره سیاق آیات قرآن و روایات اهل بیت «علیهم السلام» و در همین امتداد، در روایت است که ملاک تشخیص درستی یا نادرستی روایات نقل شده از پیامبر اکرم (و البته سایر معصومان «علیهم السلام»)، عرضه متن آن روایات به قرآن کریم است. رابطه‌ای «دوسویه» بین فهم احکام قرآنی و تعالیم اهل بیت وجود دارد. از امام علی (ع) در خطبه ۱۵۷ نهج‌البلاغه چنین روایت شده است:

«از قرآن بخواهید که برایتان سخن گوید و قرآن هیچ‌گاه سخن نگوید؛ ولی من شما را از آن خبر می‌دهم. بدانید که در قرآن، علم آینده و حدیث گذشته و داروی درد شما و نظام زندگی شماست.»

(سراسری ۹۴) هنگامی که فردی نظریه‌ای مدیریتی را با باورهای دینی می‌آمیزد و نظریه‌ای منسوب به دین می‌سازد، دچار چه نوع التقاطی شده است؟

(۱) ادبی	(۲) ایدئولوژیک	(۳) تجربی	(۴) علمی
----------	----------------	-----------	----------

پاسخ: گزینه ۴

- خواستگاه التقاط باورهای جزم‌آلود ایدئولوژی محور و غیردینی
- خواستگاه التقاط باورهای حیرت زده شبه علمی
- خواستگاه التقاط تجربه‌های فردی یا گروهی مسلمانان
- وخواستگاه التقاط تفسیر دین براساس حوادث دنیایی و اخذ سوال از دنیا به گونه‌ای که موجب فراموشی مسائل اخروی شود.

- ایدئولوژیک

علمی

تجربی (در عمل)

دنیازدگی

- این دعوی که «آنچه دانشمندان غرب و شرق گفته‌اند، ابتدا اسلام گفته است» معمولاً ناشی از التقاط و می‌باشد.

- علمی

ایدئولوژیک

(آنجا که دانش‌پژوه مسلمان متمایل به این می‌شود که ببیند تیلور (۱۹۱۲) و وبر (۱۹۴۶) و گیولیک (۱۹۳۷) چه گفته‌اند و سپس ثابت کند که پیش از این اسلام در قرن ششم میلادی همین حرف‌ها را زده است! [علمی])

یا آنجا که در مناظره‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی اسلام را مشابه مارکسیست می‌پنداشت و دیگری اسلام را نزدیک به کاپیتالیسم توصیف می‌کرد! [ایدئولوژیک]

یا آنجا که برای نظریه تکامل داروین یا نظریه شخصیت فروید (Id, ego, Superego) آیاتی دال بر تایید آنها دست و پا می‌شود؛ حال آنکه هیچ‌یک نه یک قانون علمی بلکه فرضیه‌ای است که ممکن است ثابت یا رد شود! [علمی]

التقاط علمی آنجا ایجاد می‌شود که در جست و جوی «شاهد مثالی از گزاره‌های وحیانی یا روایی» برای «مفروضات از پیش مسلم انگاشته خود» باشیم. باید بدانیم ارزشمندترین و قطعی‌ترین اندوخته‌های ما سوالات ما هستند که به محضر قرآن عرضه می‌داریم نه پاسخ‌های ما!

- "اثبات دین با علم" معمولاً منجر به التقاط می‌شود.

- علمی

(بن‌مایه شعار تکراری التقاطیون علمی این است که «دین، علم تجربی و علم تجربی، دین را تایید می‌کند». اگرچه این امر در مواردی هم صحیح باشد اما سیاق مسلمانی این است که قرآن را با قرآن و معارف صریح و صحیح اهل بیت (ع) می‌بایست فهم و ادراک کرد، به سبک **تفسیر المیزان** علامه طباطبایی)

- **تعمیم تجربه خویشتن** می‌تواند منجر به التقاط شود.

- تجربی

(در این مورد مدیر مسلمان پس از چندی تجارب خویش را معتبر انگاشته و آنها را به اسلام نسبت می‌دهد!)

- «پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنگاه‌هایی در کشور شکل گرفتند که با سوءاستفاده از اسماء و شعائر اسلامی و نام‌های معصومین (ع) و سوءاستفاده از باورهای دینی مردم، تحت عنوان دین آگاهانه یا ناآگاهانه به فریب مردم و وارد آوردن خسارت و زیان به آنها پرداختند؛ در

حالی که در و دیوار آنها پر بود از شعائر دینی مبنی بر توصیه به تقوای الهی و اخلاص و نظایر آن! یا مثلاً وقتی یک وزیر یا مسئول در بانک مرکزی کسری بودجه را از طریق ایجاد تورم مصنوعی و به زیان آشکار ارزش پول ملی، برطرف می‌کند و این رویه، رویه‌ای مباح و متداول و حتی گاهی رویه مرسوم اسلامی (!) تلقی می‌گردد؛ در حالی که با ابهامات بسیار به ویژه از حیث خیار غبن مواجه است.» مطالب بالا بیانگر التقاط می‌باشد.

- **در عمل و اقدام** (منبع: مدیریت ما، دکتر علی اصغر پورعزت، ص ۲۹ [باتصرف و تلخیص])

(التقاط در عمل و اقدام، معمولاً ریشه در تمایل به «مال‌اندوزی یا کسب جاه و منزلت به نام دین» دارد. از این رو معمولاً با نماد یا نشانه‌ای همراه است؛ برای مثال مخالفان خود را متهم می‌سازد یا خود را برتر از دیگران جلوه می‌دهد یا بر منش خود تاکید افراطی دارد.

گاهی نیز از «**اضطراهای موقت**» ناشی می‌شود، نظیر محدودیت‌های ناشی از جنگ یا بحرانی دیگر؛ اضطراهایی که اغلب حکم لغو آنها فراموش می‌شود!

گاهی این التقاطها با اصرارهای افراطی و ادعاهای پر سر و صدا در باب تعلق خاطر به دین، صورت‌بندی شده‌اند. البته فراموش نکنیم که گاهی هم التقاط در عمل و اقدام یا التقاط تجربی ناآگاهانه ایجاد می‌شود و حاصل «باور ساده‌انگارانه مدیر مسلمان به اعتبار تجربه خویشتن» است.

- التقاط ناشی از دنیاگرایی، التقاطی است.
- **فروکاهنده** (یعنی چیزی به دین اضافه نمی‌شود ولی دنیا چنان جلوه غالب می‌یابد که گویا با توان بالا بر فهم دین غالب آمده، خود را تکثیر می‌کند و نسخه‌های تکثیری خود را بر ساحت درک و فهم آدمی تحمیل می‌نماید. نتیجه این روند استخدام معنویت برای تفوق در دنیاست. بدین ترتیب به جای آنکه دنیا مزرعه آخرت باشد، ذکر آخرت به ریا و تظاهر دستمایه نیل به مقاصد دنیایی می‌شود. بنابراین التقاط دنیاگرایی ناشی از غرق شدن در امور دنیا و بی‌توجهی به امور آخرت است؛ آخرت را نیز به وسیله‌ای برای کسب دنیا تبدیل می‌کند و دین را در خدمت به پیشرفت دنیایی قرار می‌دهد).

- کسانی که دستور زبان عربی را برای توضیح و معنای انواع مضامین قرآن که خود واضع زبان «عربی مبین قرآن» است، اصل می‌انگارند دچار التقاط می‌شوند.
 - ادبی
- قرآن، شانی ماورای همه علوم بشری دارد و نمی‌توان زبان قرآن را اساس قواعد عربی وضع شده در دوران پیش و پس از اسلام ادراک کرد. (توجه: التقاط ادبی یکی از انواع التقاط علمی است. پس اگر در گزینه‌ها نبود، التقاط علمی را انتخاب می‌کنیم).

تست تالیفی: تلاش برخی از دانشمندان مسلمان برای تشبیه فرمایشات خداوند حکیم با فرضیه‌های فرویدی، مصداقی از رویکرد التقاطیون به دین است.

- (۱) ایدئولوژیک
- (۲) تجربی
- (۳) دنیازدگی
- (۴) علمی

پاسخ: گزینه (۴) علمی

- سوال: حضرت علی (ع) در حکمت ۱۳۹ نهج‌البلاغه «همج‌الرّاع» (بربادروندگان) را جزو کدام دسته از التقاطیون دانسته‌اند؟
- پاسخ: التقاط در عمل و اقدام (همج‌الرّاع) (بر باد روندگان) یعنی کسانی که از پی هر آواز می‌روند و با وزش هر باد به چپ و راست میل می‌کنند).

مدیریت اسلامی حاصل تطبیق دین با ایدئولوژی یا علم یا تجربه یا دنیا نیست. بلکه حاصل نوع‌نگاهی است که اسلام، آن را می‌آفریند؛ نگاه به امر خدا در هستی، نگاه به حق و تکلیف، نگاه به تصمیم و تدبیر؛ و در همین امتداد نگاه به ایدئولوژی، علم، تجربه و دنیا.
